آخرین خبر از «خندوانه»

رامبد جوان از ضبط سری جدید برنامه «خندوانه» همراه با مسابقه بزرگ «خنداننده شو» خبر داد.
به گزارش ایسنا، رامبد جوان در لایو صفحه اینستاگرامش با بیان این‌که ضبط برنامه خندوانه هنوز شروع نشده با توضیح سختی‌های کار در دوران کرونایی از آغاز پیش‌تولید این برنامه خبر داد و عنوان کرد: با رعایت پروتکل‌ها و با ماسک مشغول کار هستیم و خسته شده‌ایم.
جوان درباره مطالبی که مبنی بر مهاجرتش به خارج از ایران عنوان شده بود، گفت: «ما یک‌سال است به ایران برگشته‌ایم اما هنوز همه فکر می‌کنند ما نیستیم؛ ما جایی نرفته‌ایم.»
او درباره مسابقه خنداننده شو نیز توضیح داد: چون مسابقه خنداننده شو در برنامه خندوانه مسابقه بزرگی است قصد داریم فراخوان بدهیم.
به گفته رامبد جوان، ضبط برنامه خندوانه به‌زودی آغاز خواهد شد.

گفت‌وگو با عوامل و بازیگران «نجلا»

ما را قضاو

فاطمه شهدوست
فاطمه عودباشی
رسانه

قطعا با دختر چشم‌روشن جنوبی آشنا هستید که این روزها قصه زندگی‌اش را در شبکه سه با نام سریال نجلا می‌بینید. دختری که پزشک است و مقابل مشکلات کم نمی‌آورد و با آنها می‌جنگد. او کنار عمه و پدرش زندگی می‌کند. تا این‌که سر و کله عبد پیدا می‌شود و یک دل، نه صد دل، عاشق نجلا می‌شود و بعد عبد برای رسیدن به عشقش حاضر می‌شود در روزگاری که مرزهای میان عراق و ایران بسته شده، نجلا را به عراق ببرد و... این سریال تلویزیونی که پخش آن از چندی پیش از شبکه سه سیما شروع شده، ساخته خیرا... تقیانی‌پور است که کارگردانی این اثر را به تهیه‌کنندگی سعید سعدی به عهده داشته است. او برای ساخت این سریال دوربین‌اش را به جنوب برده تا نشان بدهد جنوبی‌ها در سال‌های ۵۸ چگونه زندگی می‌کردند، آداب و رسوم‌شان چطور بوده و.... در واقع کارگردان سعی کرده با این اتفاق هم، تهران گریزی داشته باشد و هم ادای دینی به جنوبی‌ها کرده باشد، اما بعد از پخش دو قسمت از سریال نماینده آبادان شروع به اعتراض کرد و خواستار عدم پخش این سریال به دلیل توهین به جنوبی‌ها و تصویر اشتباه از آنها شد، اما حرف‌های این نماینده بی‌تاثیر بود و پخش سریال ادامه پیدا کرد. به همین دلیل ما در یکی از روزهای پاییزی میزبان خیرا... تقیانی‌پور کارگردان، مصطفی ساسانی و وحید نفر بازیگران نقش‌های عطا و امجد و علی غابشی مشاور لهجه سریال و بازیگر نقش جابر شدیم.

دکمه‌ای که تبدیل به کت و شلوار شد

شما برای قصه این سریال دست روی بخشی از مقطع زمانی ایران گذاشته‌اید که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و در بخش‌هایی از قصه به اربعین سرخ سال ۵۶ هم نگاهی داشته‌اید. از شکل‌گیری قصه بگویید.

خیرا... تقیانی‌پور، کارگردان: اربعین سرخ سال ۵۶ جزو مستندات است و ابتدا به ساکن، دوستی، طرح یک خطی داده بود و این‌که چند نفر عراقی مینی‌بوس خراب را هل می‌دهند اما این ظاهر ماجرا بود، زیرا مینی‌بوس خراب نبود و آنها می‌خواستند از این طریق پیاده روی کنند. همین طرح یک خطی دکمه‌ای شد که من تصمیم گرفتم کت و شلواری برایش بدوزم. به همین دلیل خودم شروع به نگارش یک قصه ۱۰ صفحه‌ای کردم، اما از آنجا که تولید سریال باید سریع‌تر شروع می‌شد که برای پخش در ایام محرم یا صفر آماده شود، قرار شد من فقط روی کارگردانی تمرکز داشته باشم و دوستان نویسنده به کار اضافه شوند و قصه را بنویسند. در گپ‌وگفت‌هایی که داشتیم طرح سریال گسترده‌تر شد، حتی زمان قصه را کمی عقب‌تر از طرحی که من نوشته بودم، کشیدیم و در فلاش‌بک‌های نجلا به ماجرای اربعین سرخ سال ۵۶ هم اشاره کردیم و در این فلاش‌بک‌ها گفته می‌شود نجلا سه سال پیش در پیاده‌روی اربعین همراه خانواده‌اش حضور داشت و آنجا مادرش را از دست داد و بچه‌اش نیز به نوعی گم شد.

به کسی توهین نکرده‌ایم

انتقاد **بعد از پخش دو قسمت از سریال، نماینده آبادان نسبت به تصویر نادرست این سریال از جنوبی‌ها اعتراض و حتی اعلام کرد شخصیت اول قصه یعنی همان عبد، چرا باید قاچاقچی باشد و... بعد از شنیدن این اعتراض شما چه واکنشی داشتید و آیا قبول دارید حرف‌های این نماینده را؟**

دفاع **تقیانی‌پور:** علی غابشی از هنرمندان خوب جنوب که مشاور لهجه این سریال بودند، پاسخ این سوال را به شما می‌گویند، اما به سهم خودم باید بگویم این نماینده قضاوت عجولانه کرد، زیرا عبد به مرور متحول می‌شود و تصمیم می‌گیرد دست از قاچاق که آن هم به خاطر بد آوردن روزگار درگیرش بود، بردارد. بعد از پخش دو قسمت، این نماینده موضع گرفت و خوراک خوبی هم به رسانه‌های آن طرف آبی داد که البته مسؤول رسیدگی به این امر افراد دیگری هستند و نه من، ولی او بسیار عجولانه قضاوت کرد، آن هم درباره سریالی که مناسبتی و حول و حوش محور امام حسین(ع) است و مردم حب اهل‌بیت(ع) را دارند.

دفاع **علی غابشی، مشاور لهجه و بازیگر نقش جابر:** اواخر فیلمبرداری در آبادان بودیم که پخش سریال آغاز شد و بعد از دو قسمت، هجمه زیادی نسبت به ما شکل گرفت. البته با توجه به گسترش فضای مجازی که این روزها درگیرش هستیم و بدون آن‌که بدانیم چیزی صحیح است یا نه، شروع به نشر می‌کنیم که البته من در این باره نمی‌خواهم ورود پیدا کنم، اما بعد از اعتراضات به یکی از مسؤولان گفتم تشریف بیاورید و با هم قسمت سوم سریال را ببینیم. بعد از تمام شدن این قسمت از دوستان پرسیدم آیا ما توهین کرده‌ایم؟ آیا جنوبی‌ها را بد نشان داده‌ایم؟ و... جالب است که دوستان نه تنها پاسخ منفی دادند، بلکه به ما گفتند دمتان گرم. جالب است بعدها همان آقای نماینده گفته بود خودش سریال را ندیده بود و به او اطلاع داده بودند، حتی حرف‌هایش را پس گرفت، اما از گروه عذرخواهی نکرد و هنوز هم منتظریم عذرخواهی کنند.

بازیگران لهجه را بازی می‌کنند

انتقاد **با توجه به این‌که شما مشاور برای لهجه داشتید، اما نسبت به لهجه سریال انتقادهای زیادی شده و می‌گویند هر کس می‌خواهد جنوبی حرف بزند کلمه مو را اضافه می‌کند، در حالی که جنوبی حرف زدن این‌طور نیست. خودتان ایرادهای لهجه را چقدر قبول دارید؟ حتی برخی بازیگران بومی بسیار روان عربی حرف می‌زنند بعد نقش‌های اصلی مثل سارا رسول‌زاده، آزیتا حاجیان و... خیلی سخت و همین باعث شده لهجه‌ها در این سریال بالا و پایین زیاد داشته باشد.**

دفاع **غابشی:** کلمه «مو» مختص به آبادان نیست و مشهدی‌ها، لرها، بوشهری‌ها، بندرعباسی‌ها و ... هم استفاده می‌کنند. ما درباره لهجه مردم در سال ۵۸ در قصه می‌گوییم و نه الان. مسلما در طول این سال‌ها تغییرات زیادی شده‌است، اما در آن مقطع زمانی به‌خاطر حضور انگلیسی‌ها، آمریکایی‌ها و هندی‌ها لهجه‌ای متولد شده بود که ترکیب لاتین، عرب و ... بود. قصه نجلا هم در سال ۵۸ می‌گذرد و ما درباره آن مقطع می‌گوییم. مسلما من آبادانی وقتی عربی حرف می‌زنم با کسی که دشتی است و عربی حرف می‌زند، تفاوت دارد. از سوی دیگر بازیگران ما از تهران بودند و ما سعی کردیم روی لهجه آنها کار کنیم. بنابراین اشتباهات جزئی طبیعی است، چون این بازیگران تهرانی بودند و هرچقدر با آنها لهجه جنوبی را تمرین کنیم باز هم به آوای گفتارشان ایرادهایی وارد می‌شود. اما آقای تقیانی‌پور شناسنامه‌ای برای هریک از شخصیت‌ها تعریف کرد که ایرادی وارد نباشد.

دفاع **وحید نفر، بازیگر نقش امجد:** به نظرم گاهی به‌جای این‌که کلیت را در نظر بگیریم روی مواردی سختگیری می‌کنیم که صحیح نیست. به‌عنوان مثال اگر کسی ۱۲ سال انگلیسی در ایران صحبت کند و وقتی وارد یک کشور دیگر می‌شود، کسی متوجه نمی‌شود که او اهل آن کشور نیست. قطعا متوجه می‌شوند. بنابراین گرفتن چنین ایرادهایی صحیح نیست.

دفاع **تقیانی‌پور:** بازیگران لهجه را در این سریال بازی می‌کنند. ما مستند نساختیم، بلکه یک سریال داستانی ساختیم. در همه جای دنیا هم بازیگران، لهجه را بازی می‌کنند. ما سه ماه وقت داشتیم و باید روی لهجه و آوای بازیگران تهرانی کار می‌کردیم. به همین دلیل من برای این‌که ایرادها کمتر شود بیشتر از بازیگران بومی استفاده کردم. ۷۰ درصد بازیگران ما بومی هستند که یا اهل خرمشهر و آبادان هستند و در تهران ساکن یا از آنجا انتخاب کردیم. وقتی یک کار داستانی پخش می‌شود بهتر است به محتوا توجه شود و ما در این سریال سعی کرده‌ایم به لحاظ لهجه و رفتارشناسی، تمام شخصیت‌ها نماینده جنوبی‌ها باشند.

نقش‌ها تو ذوق نمی‌خورد

انتقاد **فکر نمی‌کنید داشتن زمان کم برای ساخت این سریال، لطمه به کار زده و بهتر بود در یک فرصت بهتر این سریال را می‌ساختید؟**

دفاع **تقیانی‌پور:** ما به‌خاطر زمان به‌هیچ‌وجه لطمه نخوردیم. اتفاقا بازخوردهای خوب داشتیم، حتی در هنگام پخش سریال نجلا، خیلی‌ها تصور کردند که من جنوبی هستم. زمانی ایراد وارد است که شما بگویید نقش‌ها تو ذوق می‌خورد که این اتفاق نیفتاده‌است یا این‌که بگویید فیلمنامه ضعیف است که این‌طور نیست. البته یک یا دو انتقاد در هر اثر نمایشی طبیعی است، زیرا قرار نیست ما همه را راضی کنیم. ضمن این‌که آبادان یک طایفه نیست، بلکه مجموع طوایف است. به قول مولانا هر کسی از ظن خود شد یار من. به‌هیچ‌وجه حرف‌های سخیف آن نماینده را قبول ندارم، زیرا ما توهینی نکردیم، بلکه عزاداری اقوام، مهمان‌نوازی‌هایشان، آداب و رسوم‌شان و ... را به‌درستی نشان دادیم.

دفاع **غابشی:** اتفاقا خانم حاجیان چندی پیش در جایی دعوت بودند و یکی از کسانی که مسؤول هماهنگی جای بازیگران بودند، در حالی که خانم حاجیان را نمی‌شناختند برای تهران هستند و سریال نجلا را دیده بود، خطاب به بقیه گفت که جای خوب به خانم بدهید که وقتی به جنوب برگشت، خاطره خوب از تهران داشته باشد.

عبد، همان خیرا... است

گاهی وقت‌ها بیننده اول از عبد بابت رفتارش با عطا ناراحت می‌شود اما بعد با خودش می‌گوید که چقدر اولج در بیار است. این تضاد در فیلمنامه بود یا شما ایجادش کردید؟

ساسانی: به‌هر حال پتانسیل آن باید در متن باشد، در ادامه هم هر بازیگری برای نقشش ایده‌هایی دارد که بعد از ورود به تصویربرداری آنها را مطرح و گاهی اجرایی می‌کند. مثلا یزیدنشو تکه‌کلامی بود که بعدا اضافه شد یا پس‌گردنی خوردن از عبد و ...، ولی باز هم برای نمونه پرحرفی عطا در فیلمنامه بود.

تقیانی‌پور: البته باید بگویم که بخش اعظمی از رابطه عبد و عطا وام گرفته از رابطه من و مصطفی است، یعنی ۲۰ سال است که رفاقت ما همین شکلی است.

ساسانی: بله؛ ۲۰ سال است که من را می‌زند. (به شوخی)

تقیانی‌پور: حالا آن بخش که نمایشی است اما زمانی که کاراکتر عبد را می‌نوشتم، خودم را درنظر می‌گرفتم، آدمی که با کسی درددل نکرده، زنی را ندیده، خوی مردانه‌اش به احساسش می‌چربد و ....

یعنی عبد برگرفته از شخصیت خود شماست؟

تقیانی‌پور: او را از خودم وام گرفتم و برای آن‌که بتوانم عطایی را بنویسم، گفتم مصطفی خودت را با این گویش، گریم و فضایی که در داستان است، غلیظ کن.

گریم حسام منظور

انتقاد **گریم حسام منظور با دیگر سریال‌هایی تفاوت ندارد، حتی فرم سبیل‌هایش هم فرق ندارد جنوبی را بازی می‌کند. اما گریم خانم متمایز است و**

دفاع **تقیانی‌پور:** یعنی هرکس سبیل داشته‌باش معتقدم که مخاطب همان‌طور که حسام منظور را به‌عنوان عبد دشتی قبول می‌کند. ما که نمی‌توانیم چاق برایتان مثالی می‌زنم علی نصیریان هم همیشه یک گری پس باید بگوییم شبیه کارهای قبلی‌اش است! خیر. با از کار قبلی‌اش بازی کند و گریم حسام منظور کاملا با دو ک

دفاع **نفر:** حسام از دوستان قدیمی‌ام است. چند نقش پیشنهاد می‌شود که گریم‌هایش بس متفاوتی را بازی کند. یا نقصی شخصیت داشته‌باش حسام منظور با اندیشه عبد این نقش را بازی کرده عبد برای مخاطب باورپذیر باشد. درباره خانم‌ها با متمایزتر شوند. همچنین آفتاب‌سوختگی‌هایشان

دفاع **غابشی:** البته برخی هم اعتراض کردند که بلکه مردمانی با پوست روشن، چشم‌های روش شیخ (مهرداد ضیایی، آزیتا حاجیان و سارا رسول اصالتا به عراق مربوط می‌شود.

رابطه پدر و پسری بین عبد و عطا

آقای ساسانی شخصیت شما با این‌که فرعی است اما بخشی از داستان‌های اصلی سریال را پیش می‌برد. ویژگی‌های این نقش برای شما چه جذابیتی داشت؟

مصطفی ساسانی بازیگر نقش عطا: در متن خیلی اشاره نشده اما آنچه جزئی از جذابیت‌های این شخصیت بود، یک جور بی‌کس و کاری است و انگار او به عبد پناه آورده‌است و تعاملات‌شان هم مثل پدر و فرزندی است که گاهی دعوا می‌کنند، گاهی کل‌کل و ... یعنی جنس رابطه‌شان انگار پدر و پسری است. همین حس بی‌کس بودن این کاراکتر هم برای من خیلی جذاب بود. اصولا هم در کارهای نمایشی شخصیت‌هایی که این شکلی هستند، تماشاچی را از نظر حسی بیشتر درگیر می‌کند و این همراهی را به‌گونه‌ای با بیننده شکل می‌دهد. یعنی اگر مثلا چند بازیگر را در سریال در نظر بگیریم و حتی از نظر فنی همه از آن یک شخصیت بهتر باشند، باز هم بیننده می‌گوید مثلا این عطا چقدر بامزه است. خلاصه که همین تنهایی عطا برای من خیلی جذاب بود. او سه نوع رابطه دارد؛ یکی تعامل با عطا، یکی با شیرین و دیگری هم پدر او که نمی‌توانست چندان به او نزدیک شود.

یک نقص عمدی

انتقاد **در این سریال ما دو خانواده که یکی پدر و دیگری مادر ندارد را می‌بینیم، با چه نگاهی این نقص را در خانواده‌ها ایجاد کردید؟ البته به‌واسطه همین اتفاق در این سریال نسبت‌های فامیلی مثل عمه و دایی بیشتر به چشم آمدند.**

دفاع **تقیانی‌پور:** همین داستان را جذاب می‌کند. اگر نجلا مادر داشت، لزوم بودن عمه بی‌معنا بود و از سوی دیگر اگر حسام پدر داشت لزوم بودن خانواده دایی هم بی‌معنی می‌شد. در واقع همین کنتراست‌هاست که مقداری درام را پررنگ‌تر می‌کند. درباره بخش دوم سؤال هم باید بگویم چون آن سال‌ها واقعا همین بوده، اتفاقی که نسل‌های جدیدتر اصلا یادشان نیست و در جریان این شکل از تعاملات نیستند.

دفاع **نفر:** نجلا مادر ندارد اما خودش مادر است و تنهاست، عبد هم پدر ندارد اما برای خانواده‌اش پدر است و باز تنهاست و تقدیر این دو تنها را به هم می‌رساند.

عشق «نجلا» را پیش برد

طهماسب صلح‌جو
منتقد

این شب‌ها هر سه سریالی که روی آنتن هستند، تم مشترک خانواده، عشق و سیاست دارند. به صورت جزئی‌تر خانواده و عشقی که قربانی و فدای بحران سیاسی می‌شود.
با این حال نجلا نسبت به بقیه قابل‌قبول‌تر است و آن را بیشتر می‌پسندم، چون در فضاسازی موفق است، حادثه‌محور است و ماجرا را با دیالوگ پیش نمی‌برد، بلکه اتفاقات هستند که بیننده را درگیر می‌کنند. همچنین قصه این سریال کار را بیهوده کش نمی‌دهد و ما دائم در هر بخشی با چند اتفاق تازه روبه‌رو می‌شویم. از همه مهم‌تر به نظرم این سریال ما را با آداب و رسوم و گفتار تیپی از مردمی که مرزنشین و عرب هستند، آشنا می‌کند. در حوزه تاریخی هم باید گفت نجلا در پرداخت به فضای پیش درآمد جنگ اطلاعات جدیدی می‌دهد. مواردی که شاید خیلی‌ها نمی‌دانند و در جریان جزئیات آن نیستند.
بحث دیگری که درباره این سریال مطرح می‌شود، لهجه آن است. که گاهی ایرادهایی به آن وارد می‌شود. باید گفت ما یک گویش حقیقی در هر منطقه‌ای داریم که همه طبق آن صحبت می‌کنند. اما یک گویش نمایشی هم داریم که باید در طول قصه و یک مجموعه این چنینی اجرا شود. عقل سالم این را می‌گوید که این گویش باید به شکلی باشد که همه کسانی که حتی آنجا زندگی نمی‌کنند، متوجه شوند بازیگر چه می‌گوید. این که می‌گویند گاهی لهجه مغفول واقع می‌شود، به نظر من عمدی است. خیلی جاها در این سریال ما سکانس‌هایی را می‌بینیم که در آن بازیگران عرب هستند، اما سعی می‌کنند فارسی صحبت کنند.
ما در حال دیدن یک سریال هستیم و این دیالوگ‌ها باید به شکلی که متوجهش شویم و منظور را درک کنیم، باشند. به این فضا می‌گویند ضرورت درام، بنابراین زبان واقعی با لهجه دراماتیک متفاوت است. بازیگران هم در این سریال به شکلی صحبت می‌کنند که جنبه نمایشی و جلب مخاطب هم حفظ شود.
در بخش انتخاب بازیگران هم می‌شود گفت در این سریال